

شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا

روح‌الله شاکری زواردهی^۱ رضا ابروش^۲

چکیده

شیوع و همه‌گیری بیماری کرونا، یک مسئله عمومی و حیاتی است که همه نظام‌های اجتماعی را درگیر کرده است. نهادها و مراکز ذی‌ربط سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کنند تا این بحران را مدیریت و کنترل کنند. در این میان یکسری عوامل که ریشه در رفتارهای فرهنگی جوامع دارند، می‌توانند به‌عنوان عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا ایفای نقش کنند. هدف این پژوهش شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کروناست. عوامل فرهنگی به دلیل ریشه در نظام باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی جوامع، نقش مهمی در حمایت و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا دارند. این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و اکتشافی است و از نظر هدف یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود که برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان بهره می‌جوید. سپس اطلاعات گردآوری شده با روش تحلیل مضامین (شبکه مضامین) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای بررسی پایایی پژوهش نیز از ضریب پایایی هولستی استفاده می‌شود. سرانجام «برجسته‌سازی»، «نهادهای مذهبی»، «اخلاق شهروندی»، «اعتماد عمومی»، «همسوسازی سیاست‌های فرهنگی و بهداشتی» و «تقویت و حمایت از پاره‌فرهنگ‌های موافق و سازگار» به‌عنوان عوامل مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا شناسایی شدند. در نتیجه هر یک از عوامل بالا به‌عنوان یک عامل فرهنگی، می‌تواند بر پیاده‌سازی سیاست‌های مقابله با کرونا تأثیرگذار بوده و زمینه تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا را تسهیل و مورد حمایت قرار دهد.

واژگان کلیدی

عوامل فرهنگی، کرونا، نهادهای مذهبی، برجسته‌سازی، حمایت اجتماعی.

۱. دانشیار گروه شیعه‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، Shaker.i@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، Abravesh@maaref.ac.ir

۱. مقدمه

فراگیری بیماری کرونا و اختلال در روند زندگی طبیعی مردم موجب شد تا پژوهشگران و تحلیلگران حوزه علوم انسانی و اجتماعی، بدان توجه کرده و محور مطالعات و بررسی‌های خود را معطوف به آن سازند. یکی از موضوعات قابل توجه در این حوزه، سیاست‌گذاری مقابله با کروناست. به‌منظور مدیریت این بحران اجتماعی که امروزه سلامت انسان را به مخاطره افکنده است، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط به دنبال عوامل و سیاست‌هایی‌اند که بتواند تأثیر چشمگیری بر کاهش این بیماری و مبارزه با آن داشته باشد. متأسفانه در پاره‌ای از موارد، سیاست‌های مقابله با کرونا مورد بی‌مهری واقع شده و از جانب مردم مورد حمایت و استقبال قرار نمی‌گیرد. لازمه حمایت‌های مردمی از اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا روی آوردن به روحیه مشارکتی در سیاست‌گذاری است به‌طوری‌که امروزه تقویت روحیه مشارکت‌طلبی در سرتاسر جهان مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است (قمیشان، ۱۳۹۸: ۳۳).

۱۹۸

رویکرد مشارکتی می‌تواند زمینه و بستر اجرای سیاست‌ها را فراهم کند و به همین دلیل سیاست‌گذاران با تمرکز بر نقش عوامل فرهنگی، می‌توانند از ظرفیت‌های فرهنگی موجود در جامعه برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بهره‌جویند. در این راستا شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا از اهمیت بسزایی برخوردار است. عوامل فرهنگی به دلیل ریشه داشتن در رفتارهای نظام فرهنگی و اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. آمیختگی عوامل فرهنگی با نظام‌های ارزشی، واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی موجب می‌شود سیاست‌گذاران برای تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بر عوامل فرهنگی تمرکز کرده و از فرصت عوامل فرهنگی در مقابله با کرونا استفاده کنند. به همین دلیل می‌توان این عوامل را از مراحل فراسیاست‌گذاری برشمرد که از طریق پردازش ارزش‌های فرهنگی و مسائل اجتماعی مرتبط به آن به‌دست می‌آید. جایگاه فرهنگ در نظام‌های اجتماعی موجب می‌شود تا سیاست‌گذاران به‌منظور اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، نسبت به آنها اهتمام ویژه داشته و از ظرفیت‌هایش برای تحقق و پیشبرد اهداف خود بهره‌جویند. به همین منظور عوامل فرهنگی می‌توانند به‌عنوان یک پشتیبان برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب شوند. بنابراین ضروری است تا پژوهشی در این خصوص انجام شود و عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا را مورد

شناسایی قرار دهد. هدف این پژوهش نیز شناسایی این عوامل فرهنگی می‌باشد که نیازمند پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی است. آنچه در این پژوهش به‌عنوان دغدغه و مسئله پژوهش محسوب می‌شود، شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کروناست. در همین راستا این پرسش مطرح می‌شود که چه عوامل فرهنگی بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا تأثیرگذارند؟

۲. پیشینه پژوهش

کرونا از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است و به همین دلیل پژوهشگران متناسب با حوزه‌های تخصصی خود به این موضوع پرداخته‌اند. برخی از مهم‌ترین ابعادی که در حوزه علوم انسانی به موضوع کرونا پرداخته شده است را می‌توان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، مدیریت و حکمرانی برشمرد.

مقاله «نقش معنویت و شبهه‌زدایی در بهبود بیماری‌های فراگیر» تلاش کرده تا با بررسی‌های تجربی در خصوص اثرگذاری معنویت در بهبود بیماری‌های فراگیر، گامی در رواج توجه به معنویت برای بهبودی بیماران بردارد. (ر.ک: سنجری و گلپایگانی، ۱۳۹۹). در پژوهش دیگری با عنوان «مواجهه ارزش‌های دینی و بلاهای همه‌گیر؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، نقش و کارکرد ارزش‌های دینی در بلاهای همه‌گیر در طول تاریخ ادیان جهان را مورد بررسی قرار داده است (ر.ک: کلان فریبایی، ۱۳۹۹).

پژوهش دیگری با عنوان «بحران کرونا و بازاندیشی فرهنگی در ایران»، به تغییرات مهم در جنبه‌های زندگی روزمره مردم در سه سطح سوژه (فردی)، ساختاری (عرف، آیین‌ها و نهادها) و سیستمی (بازار و نظام حکمرانی) پرداخته است (ر.ک: فاضلی، ۱۳۹۹).

برخی دیگر از مطالعات انجام‌شده نیز صرفاً به ارائه توصیه‌های ایمنی برای عموم مردم، توصیه برای مدافعان سلامت، توصیه برای کودکان و نوجوانان، توصیه برای سالخوردگان و بیماران دارای زمینه‌ای و توصیه برای افراد تنها اکتفا کرده‌اند. با این وجود اگرچه مسئله کرونا از رویکردهای گوناگون مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است، اما متأسفانه پژوهشی که به‌طور خاص به دنبال شناسایی و کشف عوامل فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا باشد، انجام نشده است.

۲-۱. نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری

فرهنگ یک بُعد مهم جامعه انسانی و به قولی وجه تمایز انسان از حیوان است، فرهنگ در جامعه اثری به مراتب بیشتر از سایر نهادهای اجتماعی دارد. در واقع هیچ نهاد اجتماعی را نمی‌توان یافت که خارج از فرهنگ جامعه باشد (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۴۲). از این رو فرهنگ را می‌توان به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی پتانسیل حرکت جامعه برشمرد (نادری و ابروش، ۱۳۹۲: ۱۰۵). فرهنگ از طریق هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی‌هایی که به کنشگران اجتماعی پیشنهاد یا تحمیل می‌کند برایشان انگیزه و آمادگی ذهنی برای کنش را فراهم می‌سازد (روشه، ۱۳۷۶: ۶۶). بنابراین با توجه به آنچه پیرامون فرهنگ بیان شد، فرهنگ از طریق نظام ارزش‌ها می‌تواند کنش‌های انسانی را منطبق با سیاست‌های مقابله با کرونا قرار دهد. این موضوع می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاری بخش عمومی و به‌ویژه بهداشتی برای مقابله با کرونا قرار گیرد. بر اساس مطالعات انجام‌شده پیرامون تأثیرگذاری فرهنگ بر کرونا و مسائل مرتبط با آن، باورها و ارزش‌های فرهنگی می‌توانند به موفقیت یا شکست تلاش‌های جهانی برای مهار شیوع کرونا کمک کنند (مک‌کی، ۲۰۲۰م: ۳۶۹). نتایج این پژوهش‌ها بیانگر کارکرد فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی جوامع بر اجرای سیاست‌های مقابله با کروناست.

۲۰۰

۲-۲. فراسیاست‌گذاری در سیاست‌گذاری

رویکرد انتقادی در سیاست‌گذاری با ارائه انتقاد به رویکردهای عقلانی، مدل‌های تغییر شکل‌یافته‌ای از سیاست‌گذاری را عرضه می‌کنند. در رویکرد انتقادی، سیاست‌گذاران با تمرکز بر رفع نواقص رویکردهای عقلانی، بر این اعتقادند که در سیاست‌گذاری، حوزه‌ای از فهم فراعقلانی وجود دارد که بر پایه آگاهی ضمنی و تجربه فردی بنا شده است (دورر، ۲۰۱۷م: ۱۵-۱۶). به همین دلیل در فرایند سیاست‌گذاری نمی‌توان از فراسیاست‌گذاری^۱ غافل شد. در این مرحله سیاست‌گذاران مبتنی بر پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌ها و مسائل به تحلیل سیاست‌ها و سیاست‌گذاری مبادرت می‌ورزند (پارسونز، ۱۳۸۵: ۲۸۱).

فراسیاست‌گذاری را می‌توان یک مرحله از سیاست‌گذاری تلقی کرد که با بررسی و پردازش ارزش‌ها و مسائل اجتماعی، زمینه تحقق و اجرای سیاست‌ها را فراهم می‌سازد.

1. Meta Policy Making.

پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌های اجتماعی و مسائل را نمی‌توان بیگانه از رفتارهای فرهنگی جوامع دانست و به همین دلیل سیاست‌گذاران در فراسیاست‌گذاری از طریق پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی می‌توانند نقش و کارکرد فرهنگ‌ها و عوامل فرهنگی را در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا مورد تحلیل قرار دهند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و اکتشافی است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و مصاحبه‌شوندگان به روش گلوله برفی شناسایی شدند. درواقع پژوهشگر برای دستیابی به اطلاعات کامل و جامع، نیازمند استفاده از روش گلوله برفی است؛ زیرا از این طریق با استفاده از ظرفیت برخی خبرگان می‌تواند خبرگان دیگر در این حوزه را شناسایی و مورد مصاحبه قرار دهد. همچنین پژوهشگر برای تکمیل داده‌ها باید به مصاحبه‌های مکتوب که توسط برخی سازمان‌ها و پژوهشگران دیگر انجام شده مراجعه کند. این اسناد و مدارک شامل مصاحبه‌هایی است که در برخی مراکز، سازمان‌ها و یا خبرگزاری‌ها نمایه شده است. در ضمن برخی گزارش‌های ارائه‌شده از قبیل گزارش مرکز افکارسنجی ایرانیان که پیرامون کرونا و ابعاد آن انجام شده نیز مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به نو بودن این پژوهش، پژوهشگر ناگزیر است از منابع متعدد، اطلاعات را گردآوری کند. پژوهشگر فرایند گردآوری اطلاعات را تا مرحله اشباع نظری ادامه داد، به‌طوری‌که پس از گردآوری اطلاعات عمده، اطلاعات تکراری بود و داده جدیدی برای پژوهشگر از مصاحبه‌های مستقیم و غیرمستقیم فراهم نمی‌شد. افرادی که در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند برخی کارشناسان باتجربه مراکز ذی‌ربط و خبرگان مطلع و آگاه با حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی بودند و البته برخی مصاحبه‌شوندگان نیز از جامعه علمی و دانشگاهی بودند. تعداد افراد مصاحبه‌شونده ۱۵ نفر می‌باشند که دارای مدرک کارشناس، کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی و برخی نیز از دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه هستند.

سپس به‌منظور تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده، از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود که فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و قابلیت ارائه یک گزارش غنی، دقیق و درعین‌حال پیچیده از داده‌ها را دارد (برایون و کلارک، ۲۰۰۶م: ۸۱). ویژگی منحصربه‌فرد روش تحلیل مضمون در این است که به یک دیدگاه و رویکرد معرفت‌شناسی خاص مبتنی

نیست و این باعث می‌شود تا از انعطاف بیشتری نسبت به سایر روش‌ها برخوردار باشد و قابلیت استفاده گسترده‌ای را در پژوهش‌های کیفی داشته باشد (مگوری و دلاهورت، ۲۰۱۷م: ۳۳۵۲). مزیت استفاده از این روش در این است که به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها اهمیت بسزایی می‌دهد (نامی و دیگران، ۲۰۰۷م: ۱۳۸).

برای اجرا و استفاده از تحلیل مضامین، روش‌های گوناگونی وجود دارد؛ روش تحلیل «شبکه مضامین»^۱ یکی از روش‌های مطرح در تحلیل مضامین است. تحلیل شبکه مضامین به دنبال کشف موضوعات برجسته در متن، در سطوح مختلف است به طوری که قابلیت ارائه نقشه‌ای شبیه تارنما از یافته‌های پژوهش را دارد (اتراید استیرلینگ، ۲۰۰۱م: ۳۸۷).

در این پژوهش اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه‌ها و برخی گزارشات، اسناد و مدارک موجود پیرامون کرونا و مقابله با آن، با روش تحلیل شبکه مضامین مورد تحلیل قرار گرفت. در ابتدا هریک از گزاره‌ها و متن‌های به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفت و یک مضمون به عنوان مضمون پایه به آن اختصاص داده شد. در این مرحله ۱۱۴ مضمون پایه ایجاد شد، سپس بر اساس قاعده مقایسه و مشابهت هریک از مضامین پایه در یک مضمون انتزاعی و کلی به نام مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد. در این مرحله ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده در قالب مقوله‌ها شکل گرفت و در نهایت ۶ مضمون فراگیر از مضامین سازمان‌دهنده ایجاد شد که مضامین فراگیر به عنوان عوامل فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب می‌شوند. جدول ۱ نمونه‌ای از فرایند تحلیل مضامین در این پژوهش را نشان می‌دهد (البته به دلیل محدودیت در حجم مقاله از بیان جدول کامل و تحلیل مضامین پایه اجتناب می‌شود):

۲۰۲

جدول ۱: فرایند تحلیل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	ردیف
بسته‌سازی	هدایت فکری و ذهنی	اثرگذاری بر افکار مردم	۱
		مدیریت ذهن عامه مردم	۲
	جهت‌دهی به رفتار	ارائه الگوهای رفتاری	۳
		تقویت رفتارهای مثبت	۴

1. Thematic networks.

بهره‌مندی از ظرفیت رسانه‌ها	تعامل با رسانه	۵	
		۶	
		۷	
	ارائه اطلاعات بهداشتی به مردم	۸	
		۹	
		۱۰	
		۱۱	
	نقدهای مذهبی	حضور کارآمد مساجد در مدیریت آسیب‌ها	۱۲
			۱۳
		استفاده از شبکه‌های معنوی	۱۴
			۱۵
۱۶			
اخلاق شهروندی	تمرکز بر اخلاق اجتماعی	۱۷	
		۱۸	
		۱۹	
	محور قرار دادن ارزش‌ها	۲۰	
		۲۱	
اعتماد عمومی	جلب اعتماد عامه مردم	۲۲	
		۲۳	
	تمرکز بر مشارکت و همراهی مردم	۲۴	
		۲۵	
همسویی با نظام‌های فرهنگی	تأثیر زمینه‌های فرهنگی در اجرای سیاست	۲۶	
		۲۷	
	توجه به تعارض‌های درون‌سیاستی	۲۸	
		۲۹	
تثویت و حمایت از پاره‌فرهنگ‌های موافق	تشویق فرهنگ‌های همراه با سیاست	۳۰	
		۳۱	
	وجود مخالفت‌های فرهنگی	۳۲	
		۳۳	

۳-۱. روایی و پایایی پژوهش

به منظور بررسی روایی داده‌ها در پژوهش‌های کیفی، رویکردهای مختلفی وجود دارد؛ زیرا نمی‌توان معیار روایی در پژوهش‌های کمی را به پژوهش‌های کیفی تسری داد، به

همین دلیل پژوهشگران کیفی در مورد معیار روایی پژوهش، رویکردهای متفاوتی دارند؛ برخی معتقدند که معیار روایی در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر «موثق و قابل اعتماد بودن»^۱ و «امانتداری»^۲ است (جانسون، ۱۹۷۷م: ۲۸۲) و برخی نیز روایی پژوهش‌های کیفی را در گرو صحت داده‌ها و اطلاعات به‌دست آمده می‌دانند (ماکسول، ۱۹۹۲م: ۲۸۲).

از این رو معیار روایی در این پژوهش بر این استوار است که اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از منابع معتبر و افراد مورد اطمینان به‌دست آمده است. گردآوری اطلاعات از منابع و خبرگان معتبر موجب افزایش اعتماد و اطمینان به داده‌ها می‌شود و بیانگر افزایش سطح نسبی صحت داده‌ها و اطلاعات خواهد بود.

به منظور بررسی پایایی پژوهش از ضریب پایایی هولستی استفاده می‌شود. در این روش پژوهشگر برخی مضامین ایجادشده را در اختیار تعدادی خبره قرار می‌دهد تا درصد توافق میان آنان را اندازه‌گیری کند (هولستی، ۱۳۷۳: ۲۱۹-۲۲۰). در این روش برای محاسبه پایایی باید «درصد توافق مشاهده‌شده»^۳ را طبق فرمول ذیل به‌دست آورد. در صورتی که میزان آن از ۶۰ درصد بیشتر باشد پایایی پژوهش مطلوب و مورد تأیید است. در این روش بر اساس فرمول ذیل عمل می‌شود:

$$PAO = \frac{M2}{N1 + N2}$$

در فرمول بالا، M تعداد همه موارد کدگذاری مشترک بین دو کدگذار است، و N1 و N2 تعداد تمام موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و دوم است. مقدار PAO بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) است و اگر از ۰/۷ بزرگ‌تر باشد مطلوب می‌باشد (همان). در این پژوهش برخی مضامین ایجادشده در اختیار دو نفر از خبرگان قرار گرفت و بر اساس فرمول PAO، پایایی مضامین ایجادشده ۰/۷۰۱ است. بنابراین پایایی این پژوهش که در ذیل محاسبات آن ارائه شده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

$$\frac{40 * 2}{114} = 0/701$$

1. Credible.
2. Trustworthiness.
3. Percentage of Agreement Observation.

۴. یافته‌های پژوهش

عوامل فرهنگی تأثیرات قابل توجهی در مقابله با کرونا دارند. عوامل فرهنگی به دلیل اینکه ریشه در رفتارهای فرهنگی جوامع دارند، رفتارهای مخاطره‌آمیز بهداشتی شهروندان را مورد کنترل قرار داده و زمینه‌های هدایت رفتارهای بهداشتی در شهروندان و آحاد افراد جامعه را فراهم می‌سازند. به همین منظور نهادها و سازمان‌ها ذی‌ربط در سیاست‌گذاری‌های مقابله با کرونا نمی‌توانند نسبت به عوامل فرهنگی مؤثر بر مقابله با کرونا بی‌تفاوت باشند. در واقع سیاست‌گذاران ذی‌ربط به‌منظور ارتقای سطح ایمنی و بهداشت جامعه ناگزیرند عوامل فرهنگی را مورد توجه قرار دهند. این عوامل فرهنگی اثرگذار بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، نقش مهمی در مدیریت و کنترل اپیدمی کرونا و مخاطرات مربوط به آن دارند. با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا در ذیل مورد تبیین قرار می‌گیرند:

۲۰۵

۴-۱. برجسته‌سازی

مضمون برجسته‌سازی به‌عنوان یک عامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا از مضامین سازمان‌دهنده «هدایت فکری و ذهنی»، «جهت‌دهی به رفتار»، «بهره‌مندی از ظرفیت رسانه‌ها» و «ارائه اطلاعات بهداشتی به مردم» ایجاد شده است. هر یک از این مضامین سازمان‌دهنده به نوعی با رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای مرتبط است. در واقع مفهومی که به‌عنوان یک مضمون فراگیر می‌تواند مضامین هدایت فکری و ذهنی، جهت‌دهی به رفتار و بهره‌مندی از ظرفیت‌های رسانه‌ها و ارائه اطلاعات بهداشتی به مردم در سطحی گسترده را دربرگیرد، مضمون برجسته‌سازی است و این برجسته‌سازی عمدتاً در فضای عمومی و گسترده مردمی توسط رسانه‌ها انجام و اجرا می‌شود. به همین دلیل نمی‌توان نقش و تأثیر رسانه را در هدایت افکار و جهت‌دهی به رفتارهای فرهنگی مردم برای مقابله با کرونا نادیده انگاشت. تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوع‌ها و رویدادها را برجسته‌سازی^۱ گویند؛ بدین معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن برخی موضوع‌ها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند و موضوعاتی را که مردم درباره آنها می‌اندیشند تعیین می‌کنند (شاکری، ۱۳۸۴: ۷۲).

1. Agenda setting.

با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، ارائه اطلاعات کارشناسی به مردم می‌تواند موجب پیروی و انطباق رفتارهای جمعی با دستورالعمل‌های بهداشتی شود. تداوم و فراگیری نظرهای کارشناسی پیرامون کرونا و مسائل مرتبط با آن می‌تواند نوعی هنجار جمعی در جامعه ایجاد کند. در همین راستا گسترش اطلاعات صحیح و بهداشتی درباره کرونا و دستورالعمل‌های بهداشتی از طریق فضای رسانه‌ای نقش مهمی در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا خواهد داشت. رسانه‌ها با هدایت افکار و جهت‌بخشی به رفتار موجب اصلاح نگاه و نگرش مردم به کرونا و واقعیت‌های مرتبط با آن می‌شوند. این اثرگذاری رسانه بر بسیاری از مسائل اجتماعی غیرقابل انکار است به طوری که گفته می‌شود اگرچه رسانه‌ها نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» بیندیشند، اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره چه» بیندیشند (لازار، ۱۳۸۵: ۱۴).

به همین دلیل برجسته‌سازی می‌تواند نگرش‌های ذهنی افراد نسبت به رعایت مسائل بهداشتی را مدیریت کند. رسانه‌ها با حمایت و تشویق رفتارهای هنجارمند و منطبق با دستورالعمل‌های بهداشتی می‌توانند شاخص‌های رفتار مناسب و ایدئال در شرایط کرونا را ترسیم کنند. به‌عنوان نمونه، انتشار تصاویری از اقدامات پیشگیرانه و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی توسط مراکز فرهنگی، مذهبی و چهره‌های شاخص به‌ویژه در مناسبت‌های جمعی و مذهبی، تأثیر مطلوبی بر افکار و رفتارهای مردم خواهد داشت.

برجسته‌سازی رفتارهای شاخص توسط رسانه‌ها باعث ارائه الگوهای رفتاری و ترویج آن در تمام سطوح جامعه می‌شود. در این پژوهش برجسته‌سازی به‌عنوان یک عامل فرهنگی، افکار و رفتارهای کنشگران را در جامعه جهت داده و زمینه‌های انطباق رفتاری آنها با دستورالعمل‌های بهداشتی را مهیا می‌سازد. بنابراین سیاست‌گذاران با استفاده از برجسته‌سازی، بینش‌ها و نگرش‌های مردم برای مقابله با کرونا را ایجاد و مدیریت می‌کنند.

۴-۲. نهادهای مذهبی

در بررسی‌های انجام‌شده، نهادهای مذهبی به‌عنوان یک عامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، از مضامین سازمان‌دهنده «استفاده از ظرفیت مسجد» و «استفاده از شبکه‌های معنوی» شکل گرفته است.

سیاست‌گذاری اجتماعی به دنبال ایجاد یک زندگی خوب و دارای سلامت حداکثری برای مردم است (دین، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۶). در همین راستا سیاست‌گذاران اجتماعی و به تبع

سیاست‌گذاری اجتماعی برای یافتن بهترین راه، سراغ هر فضایی که نیاز باشد می‌رود (همان: ۱۵).

یکی از مهم‌ترین فضاهای موجود، نهادهای مذهبی به‌ویژه مساجد هستند. نقش و کارکرد نهادهای مذهبی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. بر اساس مطالعات انجام‌شده، مسجد در طول تاریخ به‌عنوان محلی برای رفع نیازهای و مشکلات مردم مورد توجه بوده است (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۸: ۴۲). مسجد میدانی برای بروز رفتارهای عبادی، سیاسی و اجتماعی است، به‌طوری‌که در آغاز ظهور اسلام بسیاری از امور عمومی و اجتماعی مردم در مسجد حل و فصل می‌شد و یا مساجد در آن امور به نحو شایسته‌ای مؤثر واقع می‌شدند (جاسبی و انصاری، ۱۳۷۵: ۱۵). به همین دلیل مراکز سیاست‌گذار در عرصه‌های اجتماعی اهتمام جدی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرهنگی نهادهای مذهبی و مساجد به‌منظور مقابله با کرونا دارند.

۲۰۷

نهادهای مذهبی مانند مساجد، اماکن زیارتی و حسینیه‌ها در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا می‌توانند به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی ظاهر شوند. این شبکه‌ها می‌توانند حوزه‌های خصوصی و عمومی را به هم متصل سازند (ون‌دایک، ۱۳۸۳: ۸۶). بنابراین مساجد و مراکز مذهبی و معنوی به‌عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌های معنوی، از طریق تمرکز بر نظام ارزش‌ها و باورهای موجود و نهادینه‌شده در افراد، می‌توانند انگیزه‌های لازم برای پیروی از سیاست‌های مقابله با کرونا در سطح جامعه را در آنها ایجاد کرد.

از این رو می‌توان گفت نهادهای معنوی به صورت یک شبکه، ارزش‌ها و باورهای فردی را در قالب رفتارهای جمعی در سطح عمومی و اجتماعی نمایان می‌سازند. این شبکه‌های مذهبی به دلیل برخورداری از پایگاه‌های معنوی زمینه هدایت هنجارها و کنش‌های جمعی در جامعه را مهیا می‌سازند و از این طریق هنجارها و رفتارهای جمعی را منطبق بر سیاست‌های مقابله با کرونا قرار می‌دهند. مساجد به‌عنوان یک شبکه معنوی نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای همراه و سازگار با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی دارند. بنابراین مجموعه اقدامات و تلاش‌های مساجد در راستای توسعه سیاست‌های بهداشتی و رعایت آنها در جامعه می‌تواند پشتوانه ارزشی و فرهنگی کارآمدی برای سیاست‌های مقابله با کرونا باشد. همچنین مساجد و مراکز مذهبی و معنوی از جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردارند به‌طوری‌که نقش شاخص و الگو را ایفا می‌کنند.

در همین راستا اهتمام مساجد و نهادهای مذهبی بر رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و پیش‌قدمی آنها برای رعایت این دستورالعمل‌های بهداشتی می‌تواند پشتوانه اعتقادی و حامی سیاست‌های مقابله با کرونا قرار گیرد. به‌عنوان نمونه، نقش مساجد و نهادهای مذهبی به‌منظور توسعه و نشر دستورالعمل‌های بهداشتی را می‌توان از مهم‌ترین اقدامات این نهادها در رعایت سیاست‌های مقابله با کرونا لحاظ کرد. همچنین همراهی نهادهای مذهبی با سیاست‌های مقابله با کرونا مبنی بر تعطیلی اجتماع‌های معنوی در ایام فراگیری کرونا را می‌توان از اقدامات ارزشمند این نهادها برای مقابله با کرونا دانست. از این رو نهادهای مذهبی را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا برشمرد.

۳-۴. اخلاق شهروندی

اخلاق و سیاست، هر دو درصدد تأمین سعادت انسان هستند و نمی‌توانند ناقض یکدیگر باشند. بنابراین اخلاق و سیاست پیوسته ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند (عیوضی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). اخلاق شهروندی یک بُعد از اخلاق می‌باشد که کارکرد عمده‌اش در عرصه‌های اجتماعی است. در این پژوهش، اخلاق شهروندی به‌عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، از مضامین سازمان‌دهنده «تمرکز بر اخلاق اجتماعی» و «محور قرار دادن ارزش‌ها» شکل گرفته است.

اخلاق شهروندی در بُعد نگرشی و رفتاری، ناظر به نگرش‌ها و رفتارهای ملازم با رعایت حقوق دیگران است. به همین دلیل مشارکت و احساس مسئولیت در برابر مسائل شهر و محل سکونت را از شاخص‌های اخلاق شهروندی برمی‌شمارند (آروین و قماشلوپیان، ۱۳۹۷: ۱۷۱). رعایت حقوق دیگران و احساس مسئولیت نسبت به آن و مسائل مربوط به حوزه جمعی و اجتماع‌های بشری، ویژگی برجسته در تبیین مفهوم اخلاق شهروندی محسوب می‌شود. از این رو به هر نوع مشارکت و قانونی که از نظر افراد جامعه دارای ارزش باشد و بتواند جامعه را در مسیر تعالی قرار دهد و تنش‌ها را از بین ببرد، اخلاق شهروندی گفته می‌شود. در این صورت اخلاق شهروندی ماهیتی فرهنگی پیدا می‌کند؛ زیرا هم اخلاق و هم فرهنگ مبتنی بر نظام ارزش‌ها هستند و کارکرد هر دو تبلور ارزش‌ها در جامعه است.

یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها در اخلاق شهروندی، توجه به سلامت جامعه است. در زمانی که بیماری کرونا فراگیر شده و سلامت جامعه را به مخاطره انداخته است، اخلاق شهروندی

حکم می‌کند تا مسئولیت‌پذیری جمعی در جامعه ایجاد شود. تبلور اخلاق شهروندی در جامعه موجب می‌شود تا هریک از شهروندان خود را نسبت به عدم رعایت مسائل بهداشتی مسئول دانسته و درصدد برطرف کردن آن باشند. در جوامعی که اخلاق شهروندی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد، شهروندان به مسائل بهداشتی مرتبط با کرونا حساسیت نشان داده و در برابر ناهنجاری‌های بهداشتی واکنش نشان می‌دهند. شهروندان با ارائه تذکر به افرادی که دستورالعمل‌های بهداشتی را در سطح جامعه مراعات نمی‌کنند، می‌توانند نوعی فشار اجتماعی برای سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب شوند. با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، سیاست‌های مقابله با کرونا نیازمند نوعی فشار و کنترل جمعی است. این فشار و کنترل جمعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا لحاظ شود. اخلاق شهروندی از طریق ایجاد حس مسئولیت برای شهروندان در قبال ناهنجاری‌های بهداشتی، می‌تواند به‌عنوان یک عامل فرهنگی اثرگذار برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا قرار گیرد. این عامل می‌تواند تأثیراتی به مراتب بیشتر از تأثیرات قانونی برای رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی داشته باشد. در واقع اخلاق شهروندی بیانگر این نکته است که افراد از روی ترس، به قوانین و سیاست‌های مقابله با کرونا ملتزم نمی‌شوند، بلکه پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی است که آنها را ملزم به رعایت سیاست‌های مقابله با کرونا می‌کند.

۲۰۹

با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، استفاده از ظرفیت اخلاق شهروندی در جامعه است. از این‌رو با توسعه و گسترش اخلاق شهروندی می‌توان اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا را تسهیل کرد. در این پژوهش اخلاق شهروندی به‌عنوان یک عامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا می‌تواند انگیزه‌های ارزشی و درونی عامه مردم برای انطباق رفتارهایشان با سیاست‌های بهداشتی کرونا را ایجاد و گسترش دهد. در این صورت می‌توان با اطمینان کامل، در انتظار نتایج مطلوب از اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بود.

۴-۴. اعتماد عمومی

اعتماد عمومی از مضامین سازمان‌دهنده «جلب اعتماد عامه مردم» و «تمرکز بر مشارکت و همراهی مردم» ایجاد شده است. اعتماد عمومی از مهم‌ترین سرمایه‌های

اجتماعی محسوب می‌شود که ریشه در سال‌های دیرینه تاریخ بشر دارد. اعتماد عمومی بیانگر باور مردم به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببینند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶). به عبارت دیگر، اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان از سوی متولیان امور عمومی. به همین دلیل به‌عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه یافته است (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰: ۹).

اعتماد ریشه در رفتارهای فرهنگی دارد؛ از این رو ماهیتی فرهنگی دارد و در زمره عوامل فرهنگی مطرح می‌شود. امروزه اعتماد عمومی به‌عنوان قدرت نرم می‌تواند تأثیرات شگرف در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا داشته باشد. به عبارت دیگر، اعتماد عمومی را می‌توان ضامن اجرا و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا برشمرد. اعتماد عمومی، سطح مشارکت و همراهی مردم با سیاست‌های مقابله با کرونا را افزایش می‌دهد و به همین دلیل اعتماد مردم اگر به سیاست‌های بهداشتی کاهش یابد به همان میزان شاهد کاهش رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی خواهیم بود. در واقع اعتماد عمومی موجب می‌شود تا الزامات بهداشتی در فراگیری کرونا بهتر و دقیق‌تر اجرا شود.

همچنین اعتماد عمومی می‌تواند اخبار جعلی که آرامش روانی جامعه را به مخاطره می‌اندازد بی‌تأثیر ساخته و مانع اثرهای مخرب آنها شود. در فضایی که رسانه‌های مجازی بی‌قیدوشرط در حال فعالیت و شیطنت هستند، یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند اخبار و شایعات آنها را بی‌تأثیر کند، افزایش سطح اعتماد عمومی مردم به سیاست‌های بهداشتی در مقابله با کروناست.

یکی از موضوعاتی که در پیشبرد و اجرای سیاست‌های بهداشتی مقابله با کرونا می‌تواند ایفای نقش کند، نگرش مردم به سیاست‌های اتخاذی نهادهای ذی‌ربط است؛ برای ایجاد نگرش‌های همراه و سازگار با سیاست‌های بهداشتی مقابله با کرونا، اعتماد عمومی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. آن دسته از نهادهای سیاست‌گذار که توانسته‌اند اعتماد عمومی را جلب کنند، می‌توانند نگرش مردم را درباره رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی مورد هدایت و جهت‌دهی قرار دهند.

فراگیری کرونا که یک بحران اجتماعی محسوب می‌شود نیازمند مشارکت و همراهی آحاد افراد جامعه است، این مشارکت و همراهی جمعی زمانی امکان‌پذیر است که اعتماد عمومی در

جامعه شکل گرفته باشد. مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف در دوران فراگیری کرونا می‌تواند حکایت از نوعی اعتماد عمومی به نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط باشد. این اعتماد که به‌منزله سرمایه اجتماعی برای سازمان‌های ذی‌ربط محسوب می‌شود، نقشی بی‌بدیل و مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا دارند. از این رو سیاست‌گذاران در این عرصه باید مراقب این اعتماد عمومی باشند؛ زیرا به میزانی که اعتماد عمومی مخدوش شود، به همان میزان اجرا و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا با مشکل و چالش‌هایی جدی مواجه خواهد شد. در نتیجه سیاست‌گذاران از اعتماد عمومی برای حمایت و پشتیبانی مردمی در راستای تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بی‌بهره خواهند ماند.

اعتماد عمومی می‌تواند مشارکت و همراهی مردم را در تمام مراحل سیاست‌گذاری برای سیاست‌گذاران به ارمغان آورد. با توسعه و گسترش اعتماد عمومی می‌توان زمینه‌های همکاری و همراهی شهروندان برای مقابله با کرونا را مهیا ساخت. اعتماد عمومی مردم به سیاست‌های مقابله با کرونا که توسط دولت و نهادهای ذی‌ربط اتخاذ می‌شود، زمینه تعهد و پایبندی به سیاست‌ها را فراهم می‌سازد. هرچه اعتماد عمومی مردم به سیاست‌های مقابله با کرونا افزایش یابد سطح آگاهی آنها در احساس مشکل افزایش می‌یابد و در ریشه‌یابی مشکلات می‌توانند ایفای نقش کنند. اعتماد عمومی انگیزه شهروندان در اجرای راه‌حل‌های انتخابی و پذیرش آن برای مقابله با کرونا را به میزان قابل توجهی ارتقا داده و تسهیل می‌کند. سیاست‌های مقابله با کرونا در صورتی که از اعتماد عمومی برخوردار باشند، مردم بیشتر به سیاست‌گذاران این عرصه باور داشته و تمایل بیشتری برای همراهی و مشارکت با آن سیاست‌ها خواهند داشت. بنابراین به‌منظور اطمینان از اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا توسط مردم، تمرکز بر سطح اعتماد عمومی موجود در جامعه ضرورتی انکارناپذیر است.

۴-۵. همسویی با نظام‌های فرهنگی

عامل همسویی با نظام‌های فرهنگی از مضامین سازمان‌دهنده «تأثیر زمینه‌های فرهنگی در اجرای سیاست» و «توجه به تعارض‌های درون‌سیاستی» تشکیل شده است. همسویی در واقع پاسخی است به مشکل ازهم‌گسیختگی و فرسایش‌های موجود در سیاست‌گذاری‌های نهادها و سازمان‌های دولتی و به همین دلیل همسویی، به‌عنوان نقطه کانونی در سیاست‌گذاری‌ها محسوب می‌شود (حمیدی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۲).

همسویی به‌عنوان یکی از ملزومات اجرای^۱ سیاست‌ها و راهبردها در سطح کلان مورد توجه مدیران قرار می‌گیرد (طبرسا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹۰). همسویی می‌کوشد تا تعارض و تضادهای اجرای سیاست‌ها و راهبردهای سازمان را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. با توجه به اینکه اجرای سیاست‌ها مهم‌ترین اقدام در سیاست‌گذاری محسوب می‌شود (دنیهارت، ۱۳۸۸: ۲۲۳)؛ همسویی باعث می‌شود تا سیاست‌ها در مرحله اجرا، کمتر با تعارض‌ها و تضادها مواجه شوند و یا زمینه بروز چنین تعارض‌ها و تضادها را ریشه‌کن کند. یکی از موانع بسیار مهم در تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، تقابل و تعارض سیاست‌ها با فرهنگ و نظام فرهنگی است. به‌عنوان نمونه، سیاست‌های دستگاه‌های ذی‌ربط از قبیل وزارت بهداشت، وزارت علوم و آموزش و پرورش و ستاد ملی کرونا در برخی موارد ناسازگار و ناهمسو است و این ناهمسویی موجب بروز آشفتگی و سردرگمی و در نتیجه بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. این ناهمسویی حکایت از یک ضعف فرهنگی در سطح کلان در بین سازمان‌های مرتبط با مسئله کروناست. در واقع تناقض و تضاد موجود در سیاست‌های چندگانه سازمان‌ها و نهادهای دولتی که غالباً مشاهده می‌شود، در دوران فراگیری کرونا به‌وضوح قابل درک بود و اثرهای نامطلوبی را در جامعه ایجاد کرد.

در بررسی‌های انجام‌شده این پژوهش، یکی از دلایل مهم عدم اجرا و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا، همین ناهمسویی موجود است. در همین راستا، همسویی سیاست‌های مقابله با کرونا با نظام‌های فرهنگی به‌عنوان یک عامل فرهنگی محسوب می‌شود.

در برخی موارد، ناهمسویی سیاست‌های مقابله با کرونا با نظام‌های فرهنگی جوامع می‌تواند این سیاست‌ها را در اجرا با مشکل مواجه سازد. به همین دلیل نمی‌توان نقش نظام‌های فرهنگی را در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا نادیده انگاشت. سیاست‌هایی که همسو با فرهنگ و نظام فرهنگی جوامع هستند، می‌توانند از پشتوانه‌های حمایتی خوبی برخوردار باشند. با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا در صورتی که در تقابل و تعارض با فرهنگ جامعه باشند، مورد بی‌مهری قرار گرفته و در اجرا، هیچ شانس برای موفقیت نخواهند داشت. در مقابل، آن دسته از سیاست‌های مقابله با کرونا که با فرهنگ جامعه همگن هستند، اطمینان بیشتری برای تحقق آن سیاست‌ها وجود دارد.

1. Implementation.

به عبارت دیگر، همسویی سیاست‌ها با فرهنگ باعث می‌شود تا سیاست‌ها توسط فرهنگ حمایت شوند و به همین دلیل در این پژوهش یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، همسویی سیاست‌ها با نظام‌های فرهنگی موجود در جوامع است.

۶-۴. تقویت و حمایت از پاره‌فرهنگ‌های موافق

هر سیاستی ممکن است با یکسری مخالفت‌هایی مواجه شود که ریشه در تفاوت‌های فرهنگی دارد. همچنین برخی فرهنگ‌ها و پاره‌فرهنگ‌ها می‌توانند عامل اثرگذاری برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب شوند. با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، یکی از عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، تقویت و حمایت از پاره‌فرهنگ‌های موافق است. این عامل به‌عنوان یک مضمون فراگیر از مضامین سازمان‌دهنده «تشویق فرهنگ‌های همراه با سیاست» و «وجود مخالفت‌های فرهنگی» انتزاع شده است.

پاره‌فرهنگ به گروهی از مردم که در دل یک فرهنگ بزرگ‌تر قرار دارند اما ارزش‌ها و هنجارهایشان با فرهنگ مادر متفاوت است خرده‌فرهنگ یا پاره‌فرهنگ نامیده می‌شوند. پاره‌فرهنگ‌ها به‌رغم ارزش‌ها و هنجارهای متمایزشان برخی از اصول بنیادین فرهنگ مادر را حفظ می‌کنند (جنسن، ۱۳۹۶: ۳۱) دنیای امروز به دلیل توسعه زیرساخت‌های ارتباطی باعث شکل‌گیری تکثر فرهنگی شده است و به همین دلیل در چنین جوامعی انواع پاره‌فرهنگ‌ها یا خرده‌فرهنگ‌ها را می‌توان مشاهده کرد.

وجود فرهنگ‌های مختلف و به عبارتی پاره‌فرهنگ‌های متعدد در جوامع، زمینه بروز ناسازگاری و مخالفت با برخی سیاست‌ها می‌شود. سیاست‌گذاران برای مقابله با کرونا نمی‌توانند نسبت به این پاره‌فرهنگ‌ها بی‌تفاوت باشند. پاره‌فرهنگ‌هایی که مبانی فکری و ارزشی آنها با سیاست‌های اتخاذشده در حوزه مقابله با کرونا، هماهنگ و سازگار باشد، می‌توانند به‌عنوان یک پاره‌فرهنگ موافق مطرح شوند. از این‌رو یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، تقویت و حمایت از پاره‌فرهنگ‌هایی است که با سیاست‌های مقابله با کرونا همراه و سازگارند. این عامل فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که به‌منظور ایجاد نتایج مطلوب از سیاست‌های مقابله با کرونا، باید حمایت‌های لازم از پاره‌فرهنگ‌های موافق به‌عمل آید. حمایت و تقویت پاره‌فرهنگ‌های موافق می‌تواند زمینه کاهش تعارض و تقابل برخی پاره‌فرهنگ‌های مخالف را نیز فراهم کند که از این طریق می‌توان نسبت به مدیریت و هدایت پاره‌فرهنگ‌های موجود در جامعه اقدام کرد.

در بررسی‌های انجام‌شده این پژوهش، برخی فرهنگ‌های مخالف با طب نوین، عامل مهمی برای مقابله با سیاست‌های بهداشتی بودند و موجب می‌شدند تا بخشی از ظرفیت‌های کادر درمان و نهادهای اجتماعی درگیر مقابله با آنها شوند و در مقابل، برخی فرهنگ‌ها نه تنها به نظرهای کارشناسی سیاست‌گذاران این عرصه احترام گذاشته بلکه در حد توان خود به مدد و یاری مراکز و نهادهای بهداشتی برآمدند. حضور گروه‌های جهادی در مراکز مختلف بهداشتی و بیمارستان‌ها حکایت از فرهنگ موافق و همراه با سیاست‌های بهداشتی مقابله با کرونا دارد. تشویق و حمایت این گروه‌ها و فرهنگ‌های همراه می‌تواند زمینه را برای مشارکت و همراهی سایر فرهنگ‌ها و گروه‌ها نیز مهیا کند. در این پژوهش یکی از عوامل فرهنگی که نقش قابل توجهی بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا دارد، با عنوان تقویت و حمایت از پاره‌فرهنگ‌های موافق مورد توجه قرار گرفت. حمایت و تقویت این فرهنگ‌ها و گروه‌های فرهنگی موجب می‌شود تا ظرفیت‌های بالقوه‌شان در مسیر تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا و ایمن‌سازی جامعه به کار گرفته شود.

۷. نتیجه‌گیری

اگرچه مطالعات گسترده‌ای دربارهٔ کرونا و مدیریت آن در جامعه انجام شده است، اما تاکنون هیچ پژوهشی به عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا نپرداخته است. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا انجام شد و در همین راستا این پرسش مطرح می‌شود که چه عوامل فرهنگی بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا تأثیرگذار هستند؟

عوامل فرهنگی شناسایی‌شده در این پژوهش که هر یک می‌توانند سیاست‌گذاری برای مقابله با کرونا را مورد حمایت قرار دهند، عبارت‌اند از: «برجسته‌سازی»، «تهادهای مذهبی»، «اخلاق شهروندی»، «اعتماد عمومی»، «همسوسازی سیاست‌های فرهنگی و بهداشتی» و «تقویت و حمایت از پاره‌فرهنگ‌های موافق و سازگار».

این عوامل فرهنگی به دلیل برخورداری از پایگاه اجتماعی و ریشه در نظام ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های مردمی می‌توانند روحیهٔ مشارکت مردمی برای مقابله با کرونا و انطباق با سیاست‌های مقابله با کرونا را ارتقا و توسعه دهند. بنابراین عوامل فرهنگی شناسایی‌شده در این پژوهش که در مرحلهٔ فراسیاست‌گذاری تحلیل می‌شوند، تأثیرات قابل توجهی بر اجرای سیاست‌های مقابله

با کرونا دارند. فراسیاست‌گذاری از طریق تحلیل ارزش‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی، زمینه اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا را فراهم می‌سازد. از این‌رو هریک از عوامل فرهنگی شناسایی‌شده در این پژوهش را می‌توان در زمره آن دسته از عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا برشمرد که مربوط به مرحله فراسیاست‌گذاری است.

گاهی ممکن است در فرایند سیاست‌گذاری‌های عمومی و اجتماعی، برخی موضوعات و عوامل مهم مورد غفلت واقع شده و از دید سیاست‌گذاران مغفول واقع شوند. عوامل فرهنگی که از پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌های زندگی اجتماعی و مسائل مرتبط با آن انتزاع می‌شوند معمولاً امکان دارد کمتر مورد توجه در سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد و یا مورد بی‌مهری واقع شوند. این پژوهش سعی کرد با بررسی خبرگانی برخی مهم‌ترین عوامل فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا را شناسایی و مورد تبیین و تحلیل قرار دهد.

۷-۱. پیشنهادها

هر موضوع پژوهشی به‌مثابه دریایی بی‌کرانه است که وقتی پژوهشگر وارد آن می‌شود و در آن غور می‌کند، افزون بر دستیابی به پاسخ مناسب و اهداف خویش، روزه‌های جدیدی از موضوع‌ها و مسائل پژوهشی برای وی پیدا می‌شود. پژوهشگر پس از اتمام این پژوهش، برخی موضوع‌های مرتبط با مسئله پژوهش خود را برای پژوهشگران علاقمند در این حوزه پیشنهاد می‌دهد. به نظر پژوهشگر، موضوع‌هایی که از اهمیت ویژه‌ای برای تحقیق و بررسی برخوردارند، به شرح ذیل است:

- نقش عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه و ترویج رویکردهای سیاست‌گذاری مشارکتی بررسی شود. امروزه به دلیل تغییرهای فرهنگی در جوامع، رویکردهای سیاست‌گذاری مشارکتی بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است. در این میان، عوامل فرهنگی می‌تواند نقش قابل توجهی در توسعه رویکردهای سیاست‌گذاری مشارکتی داشته باشند. پیشنهاد می‌شود این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد.

- هریک از عوامل فرهنگی شش‌گانه شناسایی‌شده در این پژوهش را می‌توان به صورت یک مدل لایه‌ای مورد بررسی قرار داد. تبیین این عوامل شش‌گانه فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا نشان می‌دهد که چه رابطه‌ای بین خود این عوامل فرهنگی وجود دارد و تأثیرگذاری هر عامل بر سایر عوامل فرهنگی مشخص می‌شود. با این پژوهش

می‌توان نقش هریک از این عوامل فرهنگی را در سیاست‌های مقابله با کرونا تبیین کرد. همچنین یکسری پیشنهادهای کاربردی نیز برای مدیران و سیاست‌گذاران در این حوزه پیشنهاد می‌شود:

- از ظرفیت‌های مساجد، حسینیه‌ها و بقاع متبرکه برای اجرای کارآمد و اثربخش سیاست‌های مقابله با کرونا استفاده شود.
- نهادهای ذی‌ربط تلاش گسترده‌ای برای نهادینه‌سازی اخلاق شهروندی انجام دهند تا از این طریق میزان التزام اخلاقی مردم به سیاست‌های مقابله با کرونا افزایش یابد.

فهرست منابع

۱. آروین، بهاره و مسلم قماشلویان (۱۳۹۷). «بررسی راهبردهای ارتقای اخلاق شهروندی در شهر تهران»، راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۱۴۷-۱۸۶.
۲. پارسونز، واین (۱۳۸۵). مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. جاسبی، عبدالله و محمداسماعیل انصاری (۱۳۷۵). «نقش مساجد در اداره امور عمومی»، فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، سال هشتم، ش ۳۱، ص ۵-۱۷.
۴. جنسن، مریام ایوان و پیتر ن. دان (۱۳۹۶). روایت‌آمیزی در دن‌کیشوت، ترجمه بهروز قیاسی. تهران: اطراف.
۵. حمیدی‌زاده، علی، حسن دانایی‌فرد، مهدی معافی و سیدحسین اخوان علوی (۱۳۹۷). «پیشابندهای ظرفیت‌های هماهنگی خط‌مشی‌های ملی در ایران: واکاوی سه‌گانه سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و ذهن‌افزاری»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، سال چهارم، ش ۴، ص ۱۷۹-۲۰۲.
۶. دنهازت، رابرت بی. (۱۳۸۸). تئوری‌های سازمان دولتی، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار.
۷. دین، هارتلی (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات علمی.
۹. روشه، گی. (۱۳۶۶). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران: ققنوس.
۱۰. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۸). پیش اسلام و پدیده‌های جغرافیایی (مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی)، مشهد: آستان قدس بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۱. شاکری، مجتبی (۱۳۸۴). رسانه‌های جمعی و انتخابات ریاست جمهوری، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۲. شهبازی، مهدی، حسن درویش و فرهاد زارعی (۱۳۹۱). «تأثیر پاسخگویی عمومی بر بهبود اعتماد عمومی شهروندان»، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، سال اول ش ۱، ص ۵۳-۶۳.
۱۳. طبرسا، غلامعلی، عباسعلی حاج کریمی و اسدالله گنجعلی (۱۳۸۶). «طراحی الگوی همسوسازی استراتژی مدیریت منابع انسانی و استراتژی کسب و کار»، اندیشه مدیریت، سال اول، ش ۲، ص ۱۸۹-۲۱۲.
۱۴. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۳). «اخلاق و سیاست»، فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۰، ص ۱۰۰-۱۳۱.

۱۵. قمشیان، میثم (۱۳۹۸). *روش های سیاست گذاری فرهنگی در تغییر رفتار*. تهران: جامعه شناسان و روش شناسان.

۱۶. لازار، ژودیت (۱۳۸۵). *افکار عمومی*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.

۱۷. نادری، محمد و رضا ابروش (۱۳۹۲). «بررسی اثربخشی فرهنگ اسلامی بر امنیت اجتماعی»، *مجموعه مقالات همایش ملی اسلام امنیت پایدار و پلیس*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

۱۸. الوانی، مهدی و حسن دانایی فرد (۱۳۸۰). «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی»، *دانش مدیریت*، سال چهاردهم، ش ۵۵، ص ۲۷-۵.

۱۹. ون دایک، جان (۱۳۸۳). «سیاست گذاری در جامعه شبکه ای»، *فصلنامه رسانه*، سال پانزدهم، ش ۲، ص ۸۵-۱۲۰.

۲۰. هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

21. Attride-Stirling, J. (2001). "Thematic networks: an analytic tool for qualitative research", *Qualitative research*, 1(3), pp.385-405

22. Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), pp.77-101.

23. Dror, Yehezkel (2017). *Public Policy Making Reexamined*, Taylor and Francis.

24. Johnson, R. Burke (1997). "Examining the Validity Structure of Qualitative Research", *education*, v. 118, no. 2, pp.282-291.

25. Maguire, Moira & Brid Delahunt (2017). "Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step - by - Step Guide for Learning and Teaching Scholars", *AISHE - J: The All Ireland Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, v. 9, no. 3, pp.3351-3364.

26. Maxwell, J (1992). "Understanding and validity in qualitative research", *Harvard Education review*, v. 62, no. 3, pp.279-300.

27. McKee, Martin (2020). *A European roadmap out of the covid – 19 pandemic*, on the World Wide Web: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/32303492/>.

28. Namey, E., G. Guest, L. Thairu & L. Johnson (2007). **Data Reduction Techniques for Large Qualitative Data Sets**, Handbook for Team-based Qualitative Research, AltaMira Press, pp.137-162.